

## گرایش‌های اجتماعی در کردستان و استراتژی مجزا!

جلال محمد نژاد

جهانی شدن سرمایه و مقتضیات رشد و انکشاف آن دنیا را چنان درهم تنیده است که در تحلیل و اظهار نظر پیرامون هر پدیده و جنبش اجتماعی می‌باید فاکتور جهانی و منطقه‌ای را نیز علاوه بر فاکتورهای داخلی و شرایط مشخص مبارزه در نظر گرفت. چه بسا که در تحلیل نهایی استراتژی و راهبردهای سیاسی برای تامین منافع طبقات اجتماعی در حال تخصص، باید خود را در راستای منافع دراز مدت و جهانی طبقه خویش سازگار نمایند.

در تحلیل استراتژی جنبش کردستان نیز علاوه بر اوضاع مشخص کردستان و وضعیت سیاسی ایران می‌بایست اوضاع منطقه و فراتر از آن اوضاع جهانی را هم به عنوان فاکتورهای اساسی دخیل در این جنبش سیاسی اجتماعی در نظر گرفت.

طیف‌ها و نیروهای متنوع سیاسی بنا به موضع و پایگاه اجتماعی و طبقاتی خود در مورد استراتژی جنبش کردستان و یافتن راه کار سیاسی رسیدن به پیروزی این جنبش سرگرم کنکاش و ارائه آльтرناتیو هستند. در بین این نیروها نه تنها در سطح ارائه راه حل برای رفع ستم ملی بلکه همچنین بر سر اینکه این گرایش‌های سیاسی به کدام استراتژی سیاسی و مسیر مبارزه و با اتکا به کدام نیرو و پتانسیل اجتماعی برای پیروزی جنبش کردستان متکی خواهند شد، نیز به همان درجه و چه بسا مهمتر از آن اختلاف هست. بنابراین روشن کردن استراتژی سیاسی و بحث پیرامون آن در چه در سطح سراسری و چه در مورد جنبش کردستان نیز یک بحثی کاملاً ضروری و سرنوشت ساز است.

روشن است که جامعه کردستان نیز همچون سایر نقاط ایران یک جامعه طبقاتی است، تحت تاثیر تحولات اقتصادی و تغییراتی که در ساختار طبقاتی جامعه کردستان بوجود آمده بود جنبشی که بعد از انقلاب ۵۷ و یورش جمهوری اسلامی، در کردستان بر پا شد در ادامه خط جنبش‌های ملی گذشته نبود. در نتیجه تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی‌ای که در جامعه کردستان بوقوع پیوسته بود طبقه کارگر با خواست‌ها و مطالبات ویژه خود پا به میدان گذاشت و در صحنه سیاسی جامعه حضور داشت، زنان با خواسته‌های برابری طلبانه به صحنه آمدند و جوانان تشنه آزادی و فرهنگ پیشرو و مدرن به اشکال مختلف ابراز وجود کردند و این تغییر و تحولات کل فضای

سیاسی جامعه را تحت تاثیر خود قرار داد. بنابراین آنچه در کردستان بر پا شده بود نه یک جنبش، بلکه در واقع دو جنبش کاملاً متمایز از هم بود که به موازات هم حرکت می کردند. یکی جنبش بورژوا ناسیونالیستی کرد بود که برای دستیابی به قدرت سیاسی و کسب سهم بیشتر از استثمار طبقه کارگر کردستان در مقابل یورش‌های دولت مرکزی ایستاده بود و با انگشت گذاشتن بر نابرابری‌ها و بی‌حقوقی در زمینه حقوق ملی می‌خواست اقشار و طبقات دیگر جامعه را به زیر نفوذ شعارهای خود ببرد. آمل و آرزوهای این نیروی اجتماعی در شعارها و برنامه حزب دمکرات کردستان تبلور سیاسی می‌یافت.

دیگری جنبشی برابری طلبانه‌ای بود که در بطن این جامعه جریان داشت و در متن آن روز بروز خودآگاهی طبقاتی کارگران بالاتر می‌رفت. جنبشی که در مبارزات کارگری، مبارزه علیه بی‌حقوقی و ستمگری بر زنان، مبارزه دهقانان فقیر برای دستیابی به زمین و مبارزه برای آزادی‌های دموکراتیک و پاسداری از آنها خود را نشان می‌داد. کومه‌له به عنوان تبلور اهداف و آرمان‌های این جنبش، مبارزه علیه ستمگری ملی را، هم به عنوان جزئی لاینفک از مبارزات دموکراتیک و هم از این جهت که رفع ستم ملی روند پیشروی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر کردستان را فراهم‌تر می‌سازد، در دستور فعالیت قرار داد.

وجه مشترک این دو جنبش مبارزه علیه ستمگری ملی است. یورش‌های جمهوری اسلامی و اشغال کردستان اگر چه ضرورت مقاومت یکپارچه در مقابل رژیم را پیش کشید اما هیچگاه نتوانست تمایزات بین این دو جنبش را از بین ببرد.

از طرف دیگر تغییر و تحولات بعد از جنگ سرد و جهانی‌تر شدن هر چه بیشتر سرمایه، یکه تازی نئولیبرالیسم، شکل‌گیری جنبش اصلاحات بورژوائی در ایران تحت تاثیر این اوضاع و تغییر و تحولات سه دهه گذشته در ایران، افق تازه‌ای را در جلو بورژوازی کرد در داخل شهرهای کردستان و روشنفکران اقشار متوسط در جامعه گشود. اینان فکر می‌کردند از آن رو که اصلاح‌طلبان بورژوا یک پای حاکمیت جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند، این بار می‌توانند از طریق مکانیسم‌های انتخاباتی و فرستادن نمایندگان‌شان به مجلس در حاکمیت سیاسی سهمیم شوند. و با گرفتن پاره‌ای امتیازات فرهنگی در جهت امحای ستم ملی گام بردارند.

## **گرایش لیبرالی در جنبش کردستان**

تحریم انتخابات مجلس هفتم از جانب اجتماع میلیونی مردم مبارز ایران و شکست اصلاح‌طلبان حکومتی از یک طرف و گسترش مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان و غیره در چند سال اخیر از طرف دیگر، طیف‌های متنوع لیبرال و اصلاح‌طلب ایران را به یافتن راهکارهای جدیدی وادار کرده

است. از اپوزیسیون قانونی رژیم و طرفداران فراندوم برای تغییر مسالمت‌آمیز قانون اساسی جمهوری اسلامی گرفته تا بخش‌های دیگر جنبش لیبرالی که از انقلاب مخملی آقای محسن سازگارا - از بنیانگذاران اولیه سپاه پاسداران و معاون رئیس‌جمهور در دوره رجایی و مبلغ امروزی پروژه فراندوم - و اصلاح رژیم ناامید شده‌اند، همه در تکاپوی این هستند که به جنبش بورژوازی لیبرالی در ایران جان تازه‌ای بخشیده و برای ایجاد وحدت و ارائه آلترناتیو و کسب مقبولیت اجتماعی شدیداً به تلاش افتاده‌اند تا بتوانند علیرغم اختلافات به هدف بنیادی و مشترک‌شان که همانا تطبیق دولت سرمایه‌داری ایران با منافع جهانی سرمایه و نجات بورژوازی از بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، کنترل جنبش‌های اجتماعی و جلوگیری از وقوع انقلابی اجتماعی و کارگری که باعث دگورگونی ریشه‌ای این نظام خواهد شد، برسند و در این راستا هر روزه پروژه‌های جدیدی را از فراندوم و جمهوری خواهی گرفته تا دمکراسی و فدرالیسم برای ایجاد همگرایی و تسلط هژمونی لیبرالیسم بورژوازی بر اعتراض اجتماعی مردم ایران طرح می‌کنند.

این یک روند اجتماعی و سراسری است و در کردستان نیز بورژوازی کرد در شهرها و روشنفکران اقشار متوسط جامعه به پایه مادی، سیاسی و اجتماعی این حرکت تبدیل شده‌اند. بی‌آبرو شدن طیف‌های مبلغ جناح اصلاح طلب دوم خردادی در بین مردم کردستان و افشای سیاست‌ها، مذاکرات و مناظره‌های آشکار و پنهان آنان از قبیل فراکسیون کردها در مجلس اسلامی، انستیتوی کرد در تهران، نشریات وابسته، شکست تلاش‌های بهاء‌الدین ادب، بهرام ولدبیکگی، جلالی‌پور و سایر سرمداران پروژه‌های اصلاح طلبی به عنوان سفیران سیاسی، فرهنگی رژیم برای ایجاد دیالوگ بین طیف‌های جنبش کردستان در داخل و خارج، همه اینها طرفداران گرایش لیبرالی در کردستان را نیز به تکاپوی جدید برای یافتن متحدان جدید واداشته است. در دفاع از گرایش لیبرالی همچنین برخی از سایت‌های اینترنتی، روزنامه‌ها و تعدادی از روشنفکران سابقاً چپ نیز که از راه کارهای عملی این گرایش اجتماعی ناراضی و دلخورند فعال شده و به سهم خویش در فکر زیربال گرفتن آن هستند. طبعاً در کردستان نیز جنبش لیبرالی از یک طیف بسیار ناهمگون و متنوع تشکیل می‌شود و علیرغم شباهت در راهکارهای سیاسی و شعارهای عملی‌شان موفق به ایجاد هماهنگی و آلترناتیو مشترک نشده‌اند.

گفتمان سیاسی و متدلوزی تحلیلی جریان لیبرالی در کردستان بر ترجمان محلی همان پایه‌های اساسی استراتژیکی استوار است که لیبرالیسم ایران در بعد سراسری دنبال می‌کند. اینجا نیز صحبت از گذار مسالمت‌آمیز و فراندوم و مبارزه برای خواست‌های فرهنگی و رفهرمیستی است. اینجا نیز در میان این طیف خبری از تلاش جدی برای سرنگونی رژیم با اتکاء به مبارزه انقلابی و سازمان‌یافته مردم به ستوه آمده نیست و اینجا نیز سیاست کنترل و از راه بدر بردن جنبش کارگری

و سایر جنبش‌های انقلابی دنبال می‌شود و ...

هرچند که بایستی اضافه کرد که از یک طرف نفوذ اجتماعی گرایش سوسیالیستی در کردستان رشد این جریان لیبرالی را با دشواری و مانع جدی روبرو کرده است و این جریان بارها مجبور می‌شود در میان طیف‌های مختلف اعم از فارس و کرد، چپ و ناسیونالیست، سراسری و محلی و غیره به زبانها و تاکتیک‌های متفاوتی اهداف واقعی خود را بیان کند و از طرف دیگر سیر روندهای اجتماعی و تاثیرات تحولات منطقه‌ای آنرا به اتخاذ سیاست و موضع‌گیری شفاف‌تری در هم‌نوايي با استراتژی آمریکا وادار می‌کند.

تلاش برای تنزل دادن جنبش انقلابی کردستان به خواست‌های فرهنگی، طرح و تبلیغ استراتژی و راهکار لیبرالی و رفرمیستی، تلاش برای تضعیف جریان رادیکال و کمونیست چه در کردستان و چه در ابعاد سراسری، ارائه یک تصویر ذهنی‌گرا و انتزاعی از جنبش سوسیالیستی و مبارزه کارگری، تلاش برای تخطئه مبارزه طبقاتی و دور از دسترس وانمودکردن انقلاب و دست‌آورد کارگری، ارائه تصویر یک جنبش صرفاً ملی و غیرطبقاتی از جامعه کردستان و نفی عملی و کم‌بهادادن به جنبش کارگران، زنان، جوانان، کودکان و غیره، ایجاد دیالوگ با متحدین لیبرال و اصلاح‌طلب در سطح سراسری و کسب آبرو برای فعالین آنها، تلاش برای شکل دادن گروه‌های جدید طرفدار جنبش و آلترناتیو لیبرالی در کردستان، توهم پراکنی و تبلیغ پیرامون رفتارندوم به عنوان راهی برای تغییر مسالمت‌آمیز قوانین جمهوری اسلامی و فدرالسیم به عنوان راه حلی که به ماهیت واقعی رژیم توجهی نداشته، به طور پیگیر سرنگونی آن را تبلیغ نکرده و اهرم‌های اساسی اقتصادی و نظامی را برای ادامه ستمگری ملی در دست دولت مرکزی باقی نگه خواهد داشت، تلاش برای دلسرد نمودن کارگران و زحمتکشان از مبارز انقلابی، ایجاد جو نفرت و پشیمانی از گذشته انقلابی و سرزنش مردم مبارز کردستان که در برابر یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به مقاومت انقلابی و مسلحانه اقدام نمودند و .... همه اینها سرخط گفتمان سیاسی و عملکرد روزانه طیف‌های گوناگون مبلغ استراتژی لیبرالی در کردستان را تشکیل می‌دهد که در فرصت‌های مختلف و به زبان متفاوت بیان می‌شود. ذکر همه متونی که چه به زبان فارسی و چه به زبان کردی در رادیو، تلویزیون و سایت‌های اینترنتی در ترویج این نگرش لیبرالی نوشته و بیان شده است از حوصله یک نوشته کوتاه خارج است اما برای یک منتقد و علاقمند سیاسی گشت و گذاری سریع در بین سایت‌ها و مطبوعات مربوط به کردستان کافی است تا با ابعاد این نگرش لیبرالی آشنا شود.

**چرخش در استراتژی ناسیونالیسم سنتی و اتکاء به پشتیبانی آمریکا برای حل مسئله کرد**

بدنبال لشکرکشی آمریکا به منطقه و اشغال نظامی عراق، چرخشی در استراتژی ناسیونالیسم سنتی در کردستان ایران بوجود آمد. عنصر اصلی استراتژی جدید ناسیونالیسم در کردستان عبارت از همنوایی و تطبیق دادن سیاست خویش با استراتژی آمریکا در خاورمیانه و چشم داشت وصل کردن سرنوشت مردم ایران و کردستان به استراتژی آمریکا می باشد. این همنوایی در نوشتجات متعدد برخی از روشنفکران کرد و مشخصا از جانب حزب دمکرات و به شکل پوشیده تر سازمان زحمتکشان چه در مقطع شروع جنگ عراق و سرنگونی رژیم صدام و چه بعدا در کنگره های و پلنوم هایشان و چه در سخنرانی های و پیام هایشان به روشنی مورد تاکید قرار گرفته است. سیر سریع رویدادهای سیاسی در منطقه این جریانات را به موضع گیری شفاف در این مورد وادار کرده و ارسال پیام اخیر مصطفی هجری به جورج بوش برای اطلاع خوشحالی مردم ایران و کردستان از انتخاب مجدد ایشان و درخواست مستقیم از آمریکا به عنوان پیام آور آزادی و دمکراسی برای دخالت در ایران نمونه آخر در این راستا خواهد بود.

محدودیت هایی که در چند سال اخیر به مبارزه مسلحانه که راه کار اصلی جریان ناسیونالیستی برای رهایی جنبش کردستان بود تحمیل شده است. فعال شدن جنبش های اجتماعی در کردستان از قبیل جنبش کارگری، جنبش زنان، جوانان و کودکان که در چند سال اخیر توان بالاتری در همایش بزرگ اجتماعی پیدا کرده اند، جریان بورژوا ناسیونالیستی که ربطی به هیچ بخشی از حیات این جنبش های ندارد را بیشتر به چشم امید داشتن به دخالت آمریکا در مسئله کرد و الگو سازی از کردستان عراق متمایل کرده است.

جریان بورژوا ناسیونالیستی در کردستان می خواهد به مردم مبارز کرد بقبولاند که بین منافع آمریکا در منطقه و رهایی مردم کردستان همسویی و نزدیکی تاریخی وجود دارد و مردم کردستان راه دیگری جز گره زدن سرنوشت خود به استراتژی آمریکا در پیش ندارند. گویا جریان ناسیونالیستی در کردستان در اثر «واقع بینی و عقلیت گرایی سیاسی» به این تشخیص درست موقعیت جدید ژئوپولیتکی رسیده است که برای رسیدن به دمکراسی و خواست های مردم کرد به دخالت مستقیم نیروی سوم (آمریکا) احتیاج هست و برای از دست نرفتن فرصت طلایی پیش آمده نباید از قافله عقب بمانند و هرچه زودتر بایستی با پیدا کردن متحدین سراسری و ایجاد هماهنگی داخلی، وزارت خارجه آمریکا و دولت جورج بوش را برای نجات مردم کرد قانع کرد. برای این دوستان این «دیپلماسی موفق» که نزد وزارت دفاع و خارجه آمریکا به عنوان نیرویی که به حفظ تمامیت ارضی ایران وفادار است و برای تشکیل جبهه و فدراسیون و نشان دادن ظرفیت سازش و همکاری با نیروهای محلی و سراسری اعم از لیبرال و سلطنت طلب «رتالیست و امکان ساز» را دارد، قلمداد شود بیشتر اهمیت دارد تا وفاداری به دفاع از منافع و خواسته های مردم کردستان.

برای این دوستان سرنوشت مردم مظلوم فلسطین، افغانستان و عراق و دهها مرکز بحرانی دیگر که در اثر سیاستهای آمریکا و دولتهای امپریالیستی به باتلاق سیاسی اجتماعی تبدیل شده‌اند کافی نیست. اینهمه جنگ و ترور و وحشت و ویرانگری که جلو چشمان همه جریان دارد کافی نیست و مردم کردستان ایران باید خود نیز این افتضاح سیاسی اجتماعی را به قیمت نابودی جانی و مالی هزاران نفر مردم بی‌گناه در جوار خویش دوباره تجربه کنند.

اما از آنجا که حرکت ناسیونالیستی در کردستان مطمئن نیست که آمریکا پروژه عراقیزه کردن ایران را در دستور کار داشته باشد، در همان حال تلاش می‌کند که خود را با اپوزیسیون لیبرال در سطح سراسری هماهنگ کند. ذکر دو نمونه از تلاش جریان بوژوا لیبرالی در کردستان برای هم‌نوایی و ایجاد پیوند با جریان هم‌پیمان خود در سطح سراسری خالی از فایده نیست.

یکی از این نمونه‌ها شرکت هیئت سازمان زحمتکشان و دادن پیام رسمی به کنگره سازمان فدائیان اکثریت می‌باشد. سازمان فدائیان اکثریت که از همان بدو انشعاب خود به دفاع از جنایات رژیم جمهوری اسلامی در قبال مردم مبارز کردستان پرداخته و جریانات سیاسی کرد و رهبران آنها را عناصر پالیزیان قلمداد کرد و خواستار مسلح شدن سپاه پاسداران به اسلحه سنگین برای سرکوب «غائله» کردستان شد و در هیچ دوره از حیات خود این سیاست ضدانقلابی را پس نگرفت در جلو چشمان بیدار مردم کردستان به عنوان متحد سراسری معرفی می‌شود. پیام سازمان زحمتکشان به این کنگره در واقع پیام دوستی و اتحاد با بخشی از جریان لیبرال و اصلاح طلب در سطح سراسری ایران بود. به این تلاش‌ها بایستی ارائه تئوری برای تشکیل جبهه خلق‌های ایران و شرکت در این موزائیک رنگارنگ را نیز اضافه کرد.

نمونه دیگر از این نوع تلاش‌ها، صدور بیانیه مشترک از جانب حزب دمکرات کردستان با پان‌ایرانیستهای ایران می‌باشد به عنوان جریانی که در طول عمر خود مبلغ ایدئولوژی شوینیستی نفی و سرکوب ملیت‌های ساکن ایران و مدافع تمامیت ارضی ایران بوده است.

تلاش هردوی این جریانات مشخص برای ارتباط با جریانات لیبرالی و جمهوری خواه در ایران ادامه دارد و نمونه‌های فوق ضمن نشان دادن این تلاش در عین حال عدم جدیت آنها را در تعقیب خواسته‌های مردم کردستان – حتی در سطح همان فدرالسیم نامعلوم – نشان می‌دهد. جریاناتی که پتاسیل بالایی را در مذاکرات نهان و آشکار بر سر سازش و کوتاه آمدن در مورد خواست‌های جنبش کردستان از خود نشان داده‌اند.

البته بایستی یادآوری کرد که خود رژیم جمهوری اسلامی در همه ابعاد سیاسی و اجتماعی مشغول دسیسه‌های متعدد در سرکوب جنبش انقلابی کردستان و ارائه بدیل خود برای تنزل دادن و از میان بردن آن هست و جناح‌های گوناگون رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش کردستان

تاریخا هماهنگ تر عمل کرده و برای ایجاد نهادها و ارگان‌هایی که بتواند نقش از راه بدر بردن جنبش انقلابی در کردستان را ایفا کند پیگیرانه تلاش کرده و هربار عناصر جدیدی را بکار گرفته‌اند. رواج آگاهانه و سامان‌یافته اعتیاد در بین مردم کردستان در سطوح مختلف و آموزش جوانان کرد برای پیوستن به لشکرهای متعدد جریان‌ات افراطی و فناتیک اسلامی و باز کردن کانال‌های رشد این جریان‌ات در کردستان تنها گوشه کوچکی از تلاش‌های این رژیم ضدانسانی است.

## استراتژی انقلابی و سوسیالیستی

جنبش انقلابی مردم کردستان برای رفع ستم ملی و بحث پیرامون استراتژی درست برای رهایی آن، بحثی است که از چهارچوب جغرافیایی کردستان ایران فراتر می‌رود. با توجه به وجود جنبش کردستان در کشورهای دیگر در خاورمیانه و همچنین با توجه به وضعیت پیچیده جدیدی که بعد از جنگ عراق در این منطقه بوجود آمده، راه‌حلی‌هایی که در مورد رفع ستم ملی در کردستان ارائه می‌شود و همچنین استراتژی‌هایی که برای تحقق این امر دنبال می‌شود می‌باید در پرتو نگاه به همه فاکتورهای اساسی دخیل در سرنوشت جنبش کردستان مورد بحث قرار گیرند. آلترناتیو ناسیونالیستی و لیبرالی در مقابل جنبش کردستان و چشم امید آن به دخالت آمریکا که فوقا اشاره شد، پدیده‌ای است که در کشور ترکیه و عراق و سوریه نیز به درجات مختلف جریان داشته و به این اعتبار بر سرنوشت کل جنبش کردستان تاثیر مستقیم گذاشته است، لذا کنکاش و روشنگری دلسوزانه پیرامون این مسئله وظیفه تعطیل ناپذیر جریان سوسیالیسیست و انقلابی در منطقه خاورمیانه می‌باشد و کومه‌له به عنوان جریان کمونیستی در جنبش کردستان از همان بدو شروع جنگ عراق به روشنگری در مورد تاثیرات زیانبار این سیاست بر ادامه مبارزات مردم کرد پرداخته و موضع کمونیستی و سربلندانه کومه‌له در این رابطه، امروز به بخشی از دانش و تجربه اجتماعی مردم کردستان و بخش انقلابی و مبارز این جنبش تبدیل شده است.

موضعی که مردم کردستان و نیروهای سیاسی آن را به متکی شدن به نیروی مبارزه متشکل و مستقیم خود و وصل شدن به اعتراض جهانی علیه این جنگ ارتجاعی که تنها برای تامین منافع سیاسی و اقتصادی قدرتهای امپریالیستی براه افتاده و ربطی به دمکراسی و رهایی مردم ستم‌دیده عراق و خاورمیانه از زیربار ستم و دیکتاتوری و خفقان ندارد، صراحتا تشویق کرده است. استراتژی و جنگی که به همراه خود از هم‌پاشیدن شیرازه جامعه و زندگی روزانه، رشد سرسام‌آور امواج ترور و وحشت، رشد عشیره‌گری و ارتجاع اسلامی و عقب افتاده، کشت و کشتار دهها هزار نفری از مردم بیگناه که قربانی جدال کور نیروهای اشغالگر و جریان‌ات تندرو اسلامی و بعضی شده‌اند و

ادامه آوارگی و فقر و فلاکت باز هم بیشتر را به ارمغان آورده، استراتژی که می‌رود بار دیگر سایه دیکتاتوری و خفقان اینبار در شکل جریان اسلامی بر کشور عراق بگستراند که مورد حمایت همان قدرت‌هایی خواهد بود که رژیم صدام را سالها با اسلحه سنگین کشتار جمعی تغذیه کردند. این استراتژی در هیچ بخش آن نمی‌تواند الگویی برای کارگران و مردم ستمکش ایران و کردستان باشد و پیام جریان بورژوا ناسیونالیستی برای دخالت آمریکا در ایران و کردستان نتایج زیانبار خود را همین حالا نیز جلو چشمان مردم آگاه و بیدار کردستان و ایران به نمایش گذاشته است.

جامعه کردستان نیز همچون سایر نقاط ایران یک جامعه طبقاتی است که در آن ستم طبقاتی، ملی و جنسی سرتاپای آنرا فرا گرفته و به این اعتبار در این جامعه نه فقط جنبش ملی برای رهایی از این ستمگری بلکه همچنین جنبش طبقاتی کارگران برای بهبود زندگی و پایان دادن به مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری، جنبش زنان برای رفع ستم جنسی و برابری زن و مرد در همه وجوه زندگی، جنبش ترقی خواهی و فرهنگ پیشرو و غیره در آن جریان دارد و آلترناتیو انقلابی و سوسیالیستی استراتژی خود را برای حل ریشه‌ای و واقعی ستم ملی و رفع کامل آن در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برای رهایی کارگران، زنان و جوانان کردستان در همه وجوه آن به روشنی ارائه کرده به وجود جنبش انقلابی با اتکا به دخالت و مبارزه متشکل کارگران و مردم ستم‌دیده کردستان متکی خواهد کرد که در پیوند و همگامی با جنبش سراسری کارگران ایران در اثر یک انقلاب سراسری به عمر ننگین رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران پایان داده و شرایطی را فراهم آورد که در آن همه مردم مبارز ایران و کردستان از زیر بار حاکمیت ددمنشانه این رژیم جنایتکار رهایی قطعی یابند.

جامعه کردستان امروز بیش از هر زمانی آگاه و سیاسی شده و جنبش توده‌ای و سیاسی به عنوان دینامیسم و محرک اصلی تحولات سیاسی اجتماعی می‌رود که تناسب قوای جدیدی را به نفع جنبش انقلابی به رژیم تحمیل نماید. دست‌آوردهای تاریخی جنبش کارگری و نمونه‌های اخیر آن یعنی حرکت اول ماه مه سقز که مورد حمایت و پشتیبانی سراسری و جهانی وسیعی قرار گرفت، اعتصاب و مبارزه موفق کارگران نساجی و به میدان آمدن رهبران کارگری و تلاش بیوقفه کارگران کردستان برای ایجاد تشکلات توده‌ای و مستقل کارگری، تلاش جنبش زنان و مدافعان آنها در برگزاری همایش و اعتراض وسیع سیاسی علنی، مراسم سالروز کودکان و کنفرانس وسیع امسال، مراسم سالروز کومه‌له و پشتیبانی وسیع مردم مبارز کردستان از کومه‌له و صدها مورد دیگر از اعتراض و مبارزه روزمره کارگران و مردم مبارز در سراسر ایران و در کردستان که بار اصلی همه این ستم‌گریهای را بردوش دارند، نقطه امید و چشم‌انداز واقعی و امیدوار کننده استراتژی کارگری و سوسیالیستی در جامعه کردستان است.



کومه له به عنوان جریان کمونیستی و مدافع استراتژی کارگری و سوسیالیستی روشنگری سیاسی و افشای سیاست و توهم پراکنی های زیانبار جریان ناسیونالیستی و گرایش لیبرالی در جنبش کردستان در تمام وجوه آن در فضایی متین و سیاسی را وظیفه تعطیل ناپذیر خود دانسته و برای نشان دادن راه اصولی رهایی کارگران و زحمتکشان کرد از زیر بار ستم طبقاتی، ملی و جنسی با اتکا به مبارزه متشکل و مستقیم کارگران و مردم ستمدیده و با اتکا به همه تاریخ انقلابی و سنتهای کمونیستی خود، تلاش خواهد کرد. و در همین راستا لازم است از جانب همه نیروها و عناصری که خود را طرفدار جنبش کارگری و سوسیالیستی و دلسوز جنبش انقلابی کردستان می دانند بدور از هرگونه سکتاریسم و خودپرستی سازمانی و فردی، مورد پشتیبانی قرار گرفته و تقویت شود.

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۴۰